

تبیین عدالت در نظام اجتماعی تمدن نوین اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری  
زهره جلیلی<sup>۱</sup>

۳۰

دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۰  
تابستان ۱۴۰۳

## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۳/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۹/۲۹

صص: ۲۲۳-۲۴۳

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۹۹

رتبه علمی

ب

پژوهش‌های گوناگون در  
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23295599.1403.12.2.10.0

## چکیده

رخداد انقلاب اسلامی ایران و پیروزی آن در ایران، ظهور مجدد و عظمت دوباره اسلام بود که با رهبری بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی (ره) و جانفدایی شهیدای عالی مقام در این سرزمین شکل گرفت و همان گونه که در صدر اسلام پایه گذار تمدنی نو شد، در عصر حاضر نیز شالوده تمدن نوین اسلامی را بنیان نهاد. از طرفی عدالت که جایگاه رفیعی در آموزه‌های دینی داشته به گونه‌ای که علت بعثت انبیاء الهی معرفی شده و از شروط لازم تحقق مناصی چون امامت و قضاوت در اسلام بوده، در نگاه رهبر معظم انقلاب به همراه مؤلفه‌های دیگری مانند ایمان، علم و اخلاق، از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی معرفی شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که از منظر مقام معظم رهبری، عدالت در نظام اجتماعی تمدن نوین اسلامی چه جایگاهی دارد و مهم‌ترین مقلدمات ایجاد آن کدام است؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که تمدن نوین اسلامی به تمامی ابعاد مختلف جسمی و روحی انسان ناظر است و بنابراین تربیت انسان‌های وارسته و مهذب از دستاوردهای تمدن نوین اسلامی است و این معنا در پایگاه اولیه اسلام در مدینه الرسول و ظهور مجدد آن در انقلاب اسلامی به خوبی قابل ملاحظه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر رهبر معظم انقلاب عدالت کلمه مقدس فرازمانی و مکانی است که در صدر تعالیم انبیا است و به همراه علم و اخلاق و رعایت اصول دین، از مؤلفه‌های تشکیل تمدن نوین اسلامی است و رابطه تنگاتنگی با آن دارد و لذا عدالت از عوامل به وجود آورنده تمدن اسلامی و از علل بقای آن است و عدالت و فساد دو همراه همیشگی هستند که ضعف و قوت هر کلام، موجب قوت و ضعف دیگری است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی نیازهای ابزاری و غیر ابزاری لازم است و هر دو آن، نیازمند انسان‌هایی عادل و متفکر و با علم و اخلاق است تا به بهترین وجه از آنها در جهت تمدن نوین اسلامی بهره‌مند گردند.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، عدالت.

۱. استادیار گروه آموزشی علوم انسانی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Z\_jalili@pnu.ac.ir

(نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

تمدن اسلامی که اول بار پایه و بنیادش در قرن اول هجری با تشکیل حکومت اسلامی به دست پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) در مدینه پایه گذاری شد، با پیروزی انقلاب اسلامی روح تازه‌ای پیدا کرد که هدفش به وجود آوردن تمدن اسلامی بود تمدن نوینی که بر طبق سخن مقام معظم رهبری تحقق کامل آن نیاز به پنج مرحله داشت که مرحله اول و دوم آن پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی بود که محقق شد و مرحله سوم ایجاد دولت اسلامی است که بنا بر نظر ایشان، انقلاب اسلامی در این مرحله از مراحل تمدن ساز خود است و مرتبه چهارم و پنجم که تشکیل جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی است که هنوز تحقق نیافته است. از سویی دیگر، در تبیین الگوسازی حرکت مسلمانان صدر اسلام در حصول به نتیجه درخشان تمدن نوین اسلامی، شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی در سخنان رهبر معظم انقلاب برای رسیدن به آن تمدن معرفی شده که از جمله آن، عدالت است. در حقیقت عدالت رابطه تنگاتنگی با تمدن نوین اسلامی دارد همان تمدنی که در مدتی کوتاه به تمدنی بزرگ تبدیل شد که تمدن‌های بزرگ آن زمان یعنی تمدن ایران و روم را به رقابت فراخواند.

عدالت شاخصه رشد و تعالی جوامع انسانی است و در حوزه رفتارهای اجتماعی، نقش قابل تأملی دارد. قابل ذکر است که انسان‌ها فطرتاً طالب عدالتند و این خواست فطری در عصر معاصر به علل گوناگونی چون زیاده‌خواهی، فردگرایی، بی‌تقوایی، انسان محوری و مانند آن بیشتر خود را نشان می‌دهد و در سایه عدالت است که امور در مجرای طبیعی و فطری خود قرار می‌گیرد و بالمآل پیشرفت انجام می‌پذیرد و می‌توان گفت از میان شاخصه‌های ایجاد تمدن نوین اسلامی مانند عقل گرایی، اخلاق، عدم وابستگی سیاسی و اقتصادی و مانند آن، عدالت نقشی محوری و اساسی دارد از این رو لازم است شاخصه عدالت از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی که پرچم‌دار اسلام و تمدن نوین اسلامی در عصر حاضرند مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد زیرا عدالت هم یکی از علل به وجود آورنده تمدن نوین اسلامی است و هم از علل بقای آن است؛ لذا نگارنده برآن شد تا به قدر وسع خود به تبیین عدالت در تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری بپردازد زیرا اگر افراد جامعه و هسته‌های کوچک آن یعنی خانواده‌ها، با این مفاهیم حیات‌بخش آشنا شده و آن را در زندگی خویش به کار برند، به آن تمدن مثالی هر چه نزدیکتر خواهند شد هم‌چنین پژوهش در باره عدالت و تمدن نوین اسلامی می‌تواند مقدمه‌ای

بر تبیین دیگر مؤلفه‌های تکوین تمدن نوین اسلامی مطروحه از جانب رهبر معظم، یعنی ایمان، علم، پیشرفت، عزت، ثروت، قدرت مقابله و مانند آن باشد.

## ۲. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف تحقیق، تبیین جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی و مهم‌ترین مقدمات آن از منظر رهبر معظم انقلاب است و لذا پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که عدالت در نظام اجتماعی تمدن نوین اسلامی در نگاه رهبر معظم انقلاب چه جایگاهی دارد و مقدمات ایجاد آن کدام است؟

## ۳. پیشینه پژوهش

در پیشینه شناسی تحقیقات با دو متغیر تمدن اسلامی و عدالت آثاری به رشته تحریر درآمده که می‌توان به برخی از تحقیقات در این خصوص اشاره نمود. قابل ذکر است که قریب به اتفاق آن‌ها به مبحث عدالت به عنوان اساس و پایه تمدن اسلامی و عامل پیشرفت اشاره نموده‌اند و برخی از آنان مهمترین جلوه‌های عدالت را در اطاعت از خدا و رعایت آن در رابطه با یکدیگر دانسته‌اند و البته کمال این بحث در فرمایشات امام(ره) است هنگامی که ایشان تمدن اسلامی و غربی را مقایسه نموده و در بیان ویژگی‌های تمدن غربی، آن را تک بعدی و ناظر بر بعد جسمانی انسان معرفی نموده‌اند و در مقابل تمدن اسلامی را تمدنی چندساحتی دانسته‌اند.

اثر نخست پایان نامه‌ای با نام «تمدن اسلامی و راه‌های تحقق آن در قرآن و حدیث» (رستمی گرازان، ۱۳۹۳) نوشته شده در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم است که نویسنده آن معتقد است که تمدن‌ها ویژگی‌هایی دارند که می‌توان آن‌ها را از هم باز شناخت و بر این اساس تمدن اسلامی، مبتنی بر جهان بینی اسلامی است و از جمله بارزترین ویژگی‌های آن: توحید مداری، آزادی طلبی و عدالت است.

مقاله نخست «جایگاه عدالت در تمدن سازی از منظر فارابی، امام(ره) و مقام معظم رهبری» (کارگر، ۱۳۹۵: ۱۴۹-۱۷۴) انتشار یافته در فصلنامه فرهنگ پژوهش است که در آن نویسنده، در میان متفکرین اسلامی، آراء فارابی و امام خمینی(ره) و رهبری انقلاب را در خصوص تمدن سازی اسلامی همگرا دانسته و طلوع و غروب تمدن‌ها را توجه و بی‌توجهی به عدالت تلقی نموده است. وی مهم‌ترین جلوه عدالت را، رابطه انسان با خدا و توجه به فرامین الهی دانسته است.

مقاله دیگر «نقش عدالت در توسعه تمدن اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه» (سعادت نیا و همکاران، ۱۳۹۴: صص ۱۸۴-۱۶۹) انتشار یافته در فصلنامه علمی قرآنی کوثر است که در آن تمدن اسلامی از نوع تمدن‌های یکجانشین و مبتنی بر حیات دینی بیان شده که عناصر به وجودآورنده آن، دین و اصول دینی، اخلاق، علم و عدالت است و مدینه النبی بر همین اساس شکل گرفته و لذا جامعه وقتی به طرف تمدن نوین اسلامی حرکت می‌کند که احاد آن خود را ملزم به رعایت مؤلفه‌های آن بدانند. مؤلفان در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که یک جامعه مادامی که قادر به اجرای عدالت در بین افراد خود نباشد، هرگز به پیشرفت نخواهد رسید.

مقاله بعد «نقش عدالت در شکوفایی تمدن اسلامی» (نوائی، ۱۳۹۶: -) به چاپ رسیده در همایش بین‌المللی عدالت و اخلاق در مکتب اهل بیت (ع) است که نویسنده آن، عدالت را گوهری گمشده و کم‌حضور در صحنه‌های تاریخی و اجتماعی معرفی نموده که تحقق آن، در اندیشه معرفتی اجتماعی و سیاسی اسلام، مقدمه‌ساز تمدنی عظیم خواهد شد.

مقاله دیگر «واکاوای شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)» (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: صص ۸۵-۱۰۸) انتشار یافته در فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است که نویسندگان بعد از تعریف شاخص به معنی امر برجسته و چشمگیر، شاخصه‌هایی را برای رشد و پیشرفت تمدن اسلامی لازم و ضروری دانسته‌اند که نبود هر کدام می‌تواند حرکت رو به جلوی تمدن اسلامی را با مشکل روبه‌رو کند و از جمله آن، محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، پرهیز از تحجر، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و مانند آن است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که گسترش و پیشرفت تمدن نوین اسلامی به همت و خرد جمعی نیازمند است که در سایه تلاش و ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، بهره‌مندی از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید.

بنابراین عدالت در تحقیقات مذکور، آن گوهر کم‌یاب در صحنه‌های تاریخی و اجتماعی است که تحقق آن، مقدمه‌ساز تمدنی بزرگ است و شاخصه تمدن اسلامی است و مهم‌ترین جلوه‌های آن در رابطه انسان با خدا و توجه به فرامین الهی و اجرای عدالت در رابطه با یکدیگر است. مقاله پیش رو ضمن استفاده از منابع موجود، به تبیین جایگاه عدالت در نظام اجتماعی تمدن نوین اسلامی از منظر

رهبر معظم انقلاب پرداخته و در این راه، تمدن اسلامی و تمدن غربی را مقایسه نموده که در مقالات مشابه بدان پرداخته نشده و از این رو قابل اهمیت است.

#### ۴. روش تحقیق

این تحقیق از نوع پژوهش‌های نظری است که در باره تمدن صورت پذیرفته است. روش پژوهش مبتنی بر توصیف داده‌ها و تحلیل آن است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در صدد است که با تحلیل قرآنی روایی بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به تبیین جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی بپردازد. ابتدا مفاهیم نظری تمدن و عدل در کتب لغوی و تفسیری بیان شده و سپس تمدن اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری تبیین گشته است و سپس در بخش تمدن غرب به مقایسه آن با تمدن اسلامی پرداخته شده و در ادامه، تشکیل تمدن نوین اسلامی و مراحل پنج‌گانه آن از منظر مقام معظم رهبری آمده است. در ادامه نقش محوری عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی آمده و عدالت در گام اول و گام دوم انقلاب تبیین شده و نهایت امر نتایج حاصله از بحث آمده است.

#### ۵. چارچوب مفهومی

عدالت به معنی اعتدال و قرار دادن هر چیز به جای خود، از سجایای نیکوی رفتاری است که فطرت انسانها بدان سرشته شده است و این سجیه اخلاقی، طیف وسیعی از اعمال و رفتار آدمی را در بر می‌گیرد. عدل شرط تحقق مناصبی مانند امامت، قضاوت، شهادت، اجتهاد و مانند آنست و در آیات متعددی از قرآن کریم و روایات مأثور از جانب معصومین علیهم السلام بدان سفارش شده و از ضد آن یعنی ظلامت نهی گردیده است. مانند آیه «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده / ۸) که در آن امر به عدالت شده است و یا آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» (نحل / ۹۰) که در آن امر الهی به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان است و یا می‌توان به آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا» (مائده / ۸) اشاره نمود که در آن امر و فرمان خداوند، به عدالت داشتن و ظلم نکردن به دشمنان است و یا به خطبه ۱۹۱ نهج البلاغه و موضوع عدالت پروردگار در آن اشاره داشت «وَعَدَلَفِي كُلِّ مَا قَضَىٰ» که در آن خداوند به عدالت در تمامی قضاوت‌ها توصیف می‌شود و یا به حدیث نبوی و موضوع

عدم بقای ملک با ظلم متوجه شد که «الملكُ يَبْقَى معَ الكفرِ ولا يَبْقَى معَ الظلمِ» که در آن از مصاحبت ملک و پادشاهی با کفر سخن به میان آمده و به عدم ماندن با ظلم اشاره شده است. برای آشنا شدن با مفهوم عدل و تمدن نخست ماده مدن و عدل از منظر لغویینی مانند فراهیدی، راغب اصفهانی، ابن فارس، صاحب بن عبّاد بررسی می‌شود و سپس مفهوم تمدن در آینه کلام امامین انقلاب مورد مذاقه قرار می‌گیرد و برای تبیین بیشتر، با تمدن غربی مقایسه می‌گردد و سرانجام برای رسیدن به جایگاه عدالت در تمدن و پیشرفت اسلامی ایرانی، چگونگی تکوین تمدن نوین اسلامی به عنوان تمهید و مقدمه مطالعه می‌گردد.

#### ۱-۵. معنی عدل

عدل در العین فراهیدی به معانی مختلفی، چون قول و حکم مطلوب، عدالت داشتن و شریک قرار دادن آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۸). صاحب بن عبّاد نیز در المحيط عدل را به معنی امر مطلوب و عدل را به معنی نظیر، معنا نموده است (صاحب، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۲۳). ابن فارس نیز در کتاب معجم مقاییس اللغة دو اصل و معنی مستقل برای ماده عدل معرفی نموده که با هم متقابلند یکی به معنی استواری و دیگری به معنی اعوجاج است. او در باره این کلمه آورده است که «هو عدلٌ» یعنی او صاحب روش مطلوب است و جمله «عدل بفلان فلاناً وهو يعادله» یعنی برای او ماندنی قرار داد و جمله «المشرك يعدل برّبه» یعنی مشرک برای خدای خود شریک قرار می‌دهد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۴۶). راغب در مفردات، معنای عدل و عدل را نزدیک به هم دانسته است عدل اموری است که با بصیرت دریافت شود و عدل آن چیزی است که با محسوسات و موزونات درک می‌گردد (راغب، ۱۴۱۲: ۵۵۱). هم چنین ابن منظور در لسان العرب عدل را امر استواری دانسته که ضد جور است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۳۰). حاصل مطالب فوق در باره ماده عدل آنست که این کلمه در کتاب‌های لغوی به معانی متعدد و بعضاً متقابل آمده است. مفاهیمی مانند کلام و امر مطلوب، عدالت و شریک قراردادن، استواری و اعوجاج، عدل و داد و عوض.

بعد از بیان ماده عدل در کتب لغوی، حال این ماده در تفاسیر و ترجمه‌های موجود قرآنی بررسی می‌شود. ماده عدل در کتب تفسیری و ترجمه‌های قرآن کریم، به معانی مختلفی آمده است که به برخی از آن اشاره می‌شود.

معنی عدالت و دادگری: مانند آیه ۱۵ شوری «أَمَرْتُ لَأَعْدَلَ بَيْنَكُمْ» که این معنی در ترجمه المیزان و مکارم و انصاریان است و مانند آیه ۹۰ سوره نحل «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» که معنی عدل و انصاف در تفسیر تبیان شیخ طوسی و کشف الاسرار میبیدی (طوسی، دون تا، ج ۶: ۴۱۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳۸) است.

معنی تعادل و تناسب مانند آیه ۷ انفطار «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» که این معنی در ترجمه انصاریان و المیزان و مکارم، و در تفسیر تبیان و کشاف و صافی (طوسی، دون تا، ج ۱۰: ۲۹۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۱۶؛ فیض، ۱۴۱۵، ج ۵: ۲۹۶) است.

معنی شریک و شبیه مانند آیه ۱۵۰ انعام «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» که این معنی در ترجمه المیزان و انصاریان و مکارم، و در تفسیر منهج الصادقین و کشاف (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۳: ۴۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۸) است.

معنی حکم به حق و هدایت یافتن به آن مانند آیه ۱۵۹ اعراف «وَمَنْ قَوْمُ مُوسَىٰ اِمْهَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» که این معنی در ترجمه مکارم و انصاریان و المیزان و تفسیر تبیان و تفسیر کشاف (طوسی، دون تا، ج ۶: ۱۶۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۶۷) است.

معنی عوض و غرامت مانند آیه ۴۸ بقره «لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ» که این معنی در ترجمه المیزان و انصاریان و مکارم، و در تفسیر منهج الصادقین و صافی و کشاف (کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱: ۱۸۰؛ فیض، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۳۶) است.

برآورد مطالب آمده در ترجمه‌های قرآن و تفاسیر حول ماده عدل آنست که این ماده به معانی، تعادل و تناسب، شریک، عوض و هدایت یافتن آمده است که می‌توان نتیجه گرفت که سبک و سیاق آیات، معنای ثانویه‌ای بر معنای اولیه واژه عدل افزوده است. مؤلف در این گفتار معانی کلام و امر مطلوب و استواری و عدل و داد را برگزیده و دنبال می‌کند.

## ۲-۵. معنی تمدن

در جمهره اللغة، تهذیب اللغة، لسان اللسان و المحيط فی اللغة مدخل مدَنَ بِالْمَكَانِ به معنی اقامت نمودن در مکان است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۶۸۳؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۴: ۱۰۳؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۲: ۵۴۴؛ ج ۹: ۳۲۸). هم چنین در تاج العروس، الافصح فی فقه اللغة، القاموس المحيط، قاموس قرآن، مدخل مدَنَ المدائن تمدیناً به معنی شهرسازی و آبادانی است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۵۲۹؛ موسی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۰۳).

۵۵۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۷۶؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۴۴). در کتب دیگر لغوی مانند تاج العروس، المحيط فی اللغة، قاموس المحيط، فرهنگ ابجدی نیز مدخل تَمَدِّینَ الرَّجُلِ تَمَدُّناً به معنی متنعم شدن و در فراخ و رفاه زندگی قرار گرفتن آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۵۲۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۹: ۳۲۸؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۷۶؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۸۰۰). هم چنین در قاموس قرآن قرشی ذیل مدخل مدینه، مَدَن آمده است که مدینه را مدینه گفته‌اند زیرا مردم در آن اقامت دارند و سپس بعد از آوردن معنی تَمَدَّن به معنی خروج از جهل و دخول به راه انسانیت و ترقی، آورده است که این معنی از معانی مستحدثه و جدید است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۴۵). مدخل تَمَدَّن در لغت‌نامه دهخدا به معنی متخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از همجیت و خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت است و بنا بر تعریف آمده در مقاله صدری‌فر، تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد (صدری‌فر و همکار، ۱۴۰۰: ۵۰).

از مطالب آمده در ماده مدن، نتیجه می‌گیریم که فعل مَدَّینَ و تَمَدَّینَ بر وزن زَلَزَلَ و تَزَلَزَلَ دارای معانی اقامت، شهرسازی و آبادانی، در رفاه و فراخ زندگی کردن، متخلق به اخلاق مردمان شهرنشین شدن است. معنی مختار مؤلف در باره تَمَدَّن، تحقق دو امر ظاهری و باطنی است. امر ظاهری آن، همان آبادانی و شهرسازی و رفاه و فراخ زندگی است و امر معنوی آن، حرکت در مسیر معرفت و انسانیت، همراه با رعایت یک سلسله نظامات اجتماعی بر پایه اسلام است.

برای آشنا شدن با چگونگی تحقق تمدن اسلامی لازم است، مفهوم تمدن نوین اسلامی، از منظر امامین انقلاب مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد.

#### ۱-۲-۵. تمدن اسلامی از منظر امام (ره)

همواره در طول تاریخ عالمان دینی و دانشمندان دغدغه‌مند، آراء و نظریاتی پیرامون تمدن اسلامی و ویژگی‌های آن داشته‌اند. ولی در میان آنان، تنها امام خمینی (ره) است که موفق می‌شود علاوه بر بحث‌های نظری و تئوریک پیرامون تمدن اسلامی، به عنوان رهبر والای دینی، با تشکیل حکومت اسلامی، مقدمه ساز چنین تمدنی در عصر حاضر باشد فلذا آراء و افکار ایشان در خصوص تمدن اسلامی حائز اهمیت است. امام (ره) در مقاطع مختلف زمانی، پیرامون تمدن غربی و اسلامی، سخن به میان آورده است. گاه با زبان مقایسه، برتری‌های تمدن اسلامی را به رخ کشیده و گاه با زبان تبیین شاخصه‌های تمدن اسلامی را تقریر نموده است. ایشان در مقایسه‌ای بین تمدن غربی و اسلامی، تمدن



غربی را تمدنی تک بعدی و مادی دانسته و در مقابل تمدن اسلامی را جامع‌ترین تمدن‌ها معرفی نموده و علت آن را ناشی از دو چیز دانسته است که یکی روح سرشار از ایمان تمدن اسلامی است که بر تمامی ارکان جاری است و دیگری قدرت انسان‌سازی آنست (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱/ ۳۷۵).

امام (ره) در مقایسه‌ای دیگر میان تمدن غربی و تمدن اسلامی، به نظر مستشرقان و تعریف آنان از تمدن اشاره می‌نماید و سپس نظر خود را در این خصوص بیان می‌دارد که مستشرقان تمدن اسلامی را تنها در بناهای رفیع و ظروف چینی و پرده‌های قیمتی ارزیابی می‌کنند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱/ ۳۷۳-۳۹۵). در حالی که تمدن تنها دستاوردهای مادی و پیشرفت‌هایی در این خصوص نیست بلکه به وجود آمدن انسان‌های وارسته و فرهیخته نیز، دستاورد تمدن است بنا بر نظر امام (ره) هر تمدنی که به وجود می‌آید باید توانایی لازم برای سوق دادن افراد به سوی تعالی مادی و معنوی داشته باشد (ر، ک؛ خمینی، بی‌تا: ۲۷۳).

حاصل آراء امام خمینی (ره) در باره تمدن غربی و تمدن اسلامی آن است که تمدن غربی، تمدنی تک ساحتی است که انسان را موجودی یک بعدی معرفی می‌کند و تنها به بعد جسمانی وی توجه دارد و هر آنچه در تعریف غرب از تمدن ارائه شده، همگرا با بعد جسمانی انسان و ناظر بر پیشرفت‌های مادی اوست. یعنی تمدن در نگاه غربی، ساختمان‌های سربه فلک کشیده و وسائل راحتی و پیشرفت‌های مادی است ولی تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که انسان را دارای ابعاد مختلف جسمانی و روحانی معرفی می‌کند و به تمامی ابعاد وجودی وی متوجه است فلذا تمدن در نگاه اسلامی، تنها داشتن دستاوردهای مادی و ساختمان‌های آسمان‌خراش نیست بلکه تربیت انسان‌های وارسته نیز از دستاوردهای تمدن اسلامی و ضامن پیشرفت اسلامی ایرانی است.

## ۲-۲-۵. تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در برهه‌های گوناگون، پیرامون تمدن نوین اسلامی سخن به میان آورده و ویژگی‌ها و خصوصیات آن را تبیین نموده‌اند که از جمله آن می‌توان به رهنمود ایشان، پیرامون ایجاد تمدن در سال ۱۳۹۱ اشاره نمود. رهبری (حفظه الله) در سخنانی در این سال بیان می‌دارد که بدون مکتب و ایدئولوژی نمی‌توان تمدنی به وجود آورد. ایشان سپس به یکی از توطئه‌های دشمن در خصوص مقابله با تشکیل تمدن اسلامی، اشاره می‌نمایند. توطئه‌ای که همواره در پی آن بوده و اکنون نیز به دنبال آنست و آن کشاندن جامعه به بی‌ایمانی است. یعنی یا تمدنی شکل نگیرد و یا به شکوفایی

و باروری نرسد. در رهنمودی دیگر، در همین سال، نیاز درجه اول تمدن نوین اسلامی را ایمان معرفی می‌نمایند(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ایشان در رهنمودی دیگر پیرامون تعریف تمدن، آن را همراهی مواهب مادی و جهت معنوی و خدایی دادن به آن، می‌دانند. «تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفتهای زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن. جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا این‌ها باهم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند»(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

و یا در جایی دیگر در تعریف سیاست و ارتباط آن با حوزه‌های مختلف مانند تمدن اسلامی، استقلال، وابستگی، سبک زندگی، حرکت به سمت تمدن اسلامی را، حرکت به سوی استقلال می‌دانند. «سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم... آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم یا داریم به سمت وابستگی به غرب و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم. این خیلی مسأله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند»(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

از مباحث آمده در بالا می‌توان نتیجه گرفت که تمدن‌ها به دنبال اعتقاد و ایمان به ادیان الهی به وجود می‌آیند و ادامه حیات آنان و شکوفایی آن نیز در استمرار این ایمان است یعنی ایمان علت به وجود آورنده تمدن نوین اسلامی و سبب دوام آنست. به عبارت دیگر تمدن نوین اسلامی و ایمان رابطه تنگاتنگی باهم دارند فلذا یکی از اقدامات مخالفین اسلام و تمدن اسلامی، رواج بی‌بندباری و بی‌ایمانی است تا تمدن نوین اسلامی به وقوع نپیوندد و پیشرفت اسلامی ایرانی صورت نگیرد و یا به افق‌های دوردست خود دست نیابد.

از آنجا که در نگاه امام در خصوص تمدن، دو گانه تمدن اسلامی و تمدن غربی مطرح شد لذا در این بخش از مقاله به تمدن از نگاه غربی می‌پردازیم تا به قدر وسع، معنی آن روشن شود که به نوعی معرفی تمدن نوین اسلامی است زیرا «تُعرفُ الأشياءُ بأضدادها».

### ۳-۲-۵. تمدن غرب

تمدن از نگاه غربی، امری مادی است که غایت آن برخورداری از پیشرفتهای مادی و کام‌جویی‌های نفسانی است. این تمدن پیشرفتهای مادی خود را وامدار عقلی است که دغدغه آن لذائذ مادی است و

اشکال موجود در آن، همین نگاه تک بعدی به انسان است و این اشکال در ساحت‌های مختلفی ظهور و بروز پیدا می‌کند. بشر امروز در بعد معرفتی، دچار تحیر و سرگردانی است و معرفت صحیحی در باره پدیده‌های پیرامون خود ندارد و در زمینه آراء و عقاید، دچار عدم ثبات و پایداری است. انسان امروز در بعد روانی، بیش از هر زمان دیگر، دچار انواع گرفتاریها و بیماریهای روانی است. امراضی مانند افسردگی، اضطراب، نداشتن آرامش و سکون و مانند آن. وی از نظر اخلاقی، گرفتار انواع انحرافات وسیع اخلاقی است و در بعد خانوادگی دچار گسست و از هم پاشیدگی خانوادگی است. و از نظر اجتماعی و سیاسی نیز، دچار هرج و مرج سیاسی و بین المللی است که مصادیق آن به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از هر زمان دیگر قابل دسترسی است. آیت الله جوادی آملی در کتاب انتظار بشر از دین موارد مذکور را به روشنی بیان می‌نماید آنجا که می‌گوید: «امروز بشر در بعد معرفتی دچار تحیر علمی و نسبت گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید است و در بعد روانی، دچار تردید علمی، افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و اطمینان خاطر و از خود بیگانگی و به تعبیری بی خویشی است و از جهت اخلاقی نیز گرفتار انحرافات خصیصه گسترده و به لحاظ خانوادگی دچار از هم پاشیدگی داخلی و از نظر اجتماعی و سیاسی، گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین المللی و مانند آن است» (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۳).

نویسنده مقاله لایه‌های تمدن غرب نیز، ظهور رنسانس در اروپا را عصر جدیدی می‌داند که تجدد و نوگرایی از ویژگی‌های آن بوده و مقدمه‌ای برای ورود به عصر مدرنیسم و پسا مدرن شده است و بر مبنای آن، انسان اروپایی، مبانی معرفتی خود را کنار گذاشته و خود را محور همه امور قلمداد کرده است. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه تشکیل دهنده رنسانس، اومانیزم (Humanism) است یعنی انسان محوری جانشین خدا محوری می‌شود (علوی، ۱۳۸۱: -) و همین امر موجب تحیر علمی انسان غربی و عدم ثبات عقیدتی وی و مشکلات دیگر او و اضمحلال تمدن است و پناز قول ویل دورانت مرگ تمدن یک جامعه بندرت معلول علل برون‌مرزی است و پیش از آن‌که نفوذ یا حمله خارجی بتواند جامعه را منهدم کند، باید انحطاط داخلی تاروپود جامعه را از هم گسیخته باشد (دورانت، ۱۳۷۸: ۶۴۶).

بعد از تبیین تمدن غربی و تناقضات موجود در آن، به مبحث تشکیل تمدن نوین اسلامی و مراحل پنج‌گانه ایجاد آن در نگاه رهبر معظم انقلاب می‌پردازیم تا مقدمه‌ای برای توضیح هر چه بیشتر جایگاه عدالت و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی آن باشد.

## ۶. تشکیل تمدن نوین اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و تشکیل حکومت اسلامی، تمدن اسلامی در برابر تمدن غربی قرار گرفت و نگاه تک بعدی تمدن غرب به انسان و نگاه جامع وسازنده تمدن اسلامی، موجب آن شد تا تمدن اسلامی به سمت شکل گیری هر چه سریعتر حرکت کند. به وجود آمدن این تمدن در نگاه رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) مستلزم مراحل پنج گانه ایست که ایجاد انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، شکل گیری دولت اسلامی، ایجاد کشور و جامعه اسلامی و شکل گیری تمدن اسلامی از جمله مراحل آنست (جلوداریان، ۱۳۹۷: ۲). توضیح این مراحل پنج گانه به شرح ذیل است:

اولین مرحله برای به وجود آمدن تمدن نوین اسلامی، شکل گیری انقلاب اسلامی بود که مانند هر انقلاب دیگری با دگرگونی های بنیادی انجام شد و چون دارای ساختار ارزشی بود این دگرگونی، در گرو تحقق ارزش های نوینی گردید تا نظامی بر مبنای ارزش های جدید شکل گیرد. مرحله دوم تحقق تمدن نوین اسلامی، مرحله نظام سازی بود که این مرحله نیز با اسلامی شدن ساختار کلی جامعه، صورت پذیرفت. گام سوم شکل گیری تمدن نوین اسلامی، تشکیل دولت اسلامی است که همان گونه که در سطور پیشین آمد کشور در این مرحله از مراحل پنج گانه تمدن ساز است. این مرحله با اسلامی شدن لایه های بیشتری از کارگزاران، انجام می شود و منظور، اسلامی شدن مجموعه کارگزاران حکومتی است نه فقط هیئت وزیران و وظیفه مسئولان آنست که خود و جامعه خود را اصلاح کنند. مرحله چهارم شکل گیری تمدن اسلامی، مستلزم به وجود آمدن کشور اسلامی است و این امر نیازمند تحقق اموری گوناگون است و از جمله آن امور، می توان به درخشش نظام اسلامی، استقرار عدالت، از بین بردن فقر، ریشه کنی تبعیض، تحقق عزت حقیقی و ارتقای جایگاه کشور در روابط بین الملل و اموری دیگر اشاره نمود (ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). مرحله نهایی از مراحل پنج گانه اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است که به معنی کشورگشایی نیست بلکه به معنی تحت تأثیر فکری قرار گرفتن ملت ها از اسلام است (ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۲/۰۶).

از دیدگاه رهبری، راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی، شامل دو بخش ابزاری و نرم افزاری است که برای شکل گیری این تمدن، هر دو بخش آن لازم و ضروری است و البته بخش نرم افزاری از اهمیت بیش تری برخوردار است. ایشان در بخش ابزاری تمدن، به امور مختلفی اشاره دارند که در حوزه های گوناگونی است: مانند حوزه علم، اختراع، حوزه صنعت، حوزه سیاست و اقتدار سیاسی،

حوزه اقتصاد، حوزه قدرت نظامی، حوزه اعتبار بین‌المللی، حوزه تبلیغ و ابزارهای تبلیغ و تمامی آنچه به عنوان ابزار، می‌تواند در خدمت تمدن قرار گیرد و در بخش نرم‌افزاری آن نیز، به امور متفاوتی اشاره دارند که در زمینه‌های مختلفی است و باید بدان توجه شود. در زمینه خانواده، سبک ازدواج، در زمینه نوع مسکن، در زمینه نوع لباس و الگوی مصرف، در زمینه نوع خوراک، نوع تفریحات، در حوزه نوع رفتار با پدر و مادر، رفتار با همسر، رفتار با فرزند، رفتار در محل کار، در زمینه نوع رفتار با دوست، رفتار با دشمن و تمامی نکات ریز و درشتی که در ارتباط با انسان و شؤون زندگی وی و ابعاد وجودی اوست و افراد در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، با عناوین متفاوت عضو خانواده، عضو اجتماع با آن مرتبطند(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

ایشان هم چنین برای ایجاد تمدن نوین اسلامی دو مؤلفه را ضروری و لازم می‌دانند که هر دو در رابطه با بخش نرم‌افزاری، راه وصول به تمدن نوین اسلامی و رسیدن به پیشرفت اسلامی ایرانی است و پیش درآمد اعمال و رفتار فردی و اجتماعی انسان است و آن دو مؤلفه، تولید فکر و پرورش انسان است(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که تمدن نوین اسلامی و پیشرفت اسلامی ایرانی برای به وجود آمدن، نیاز ابزاری و غیر ابزاری دارد و هر دو بخش آن، نیازمند انسان‌هایی پرورش یافته مذهب و متفکر است تا به بهترین وجه از آن‌ها در جهت تمدن اسلامی بهره جویند.

از آنجا که در نگاه رهبری چگونگی تشکیل تمدن اسلامی و رسیدن به قله‌های آن در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین شده در این بخش از سخن به جایگاه عدالت در تمدن اسلامی از منظر بیانیه گام دوم می‌پردازیم.

## ۷. عدالت و بیانیه گام دوم انقلاب

ورود انقلاب اسلامی به چهلمین سال دوم حیات خود، همزمان با صدور بیانیه گام دوم انقلاب از جانب رهبر معظم انقلاب بود. ایشان همواره در موقعیت‌های مختلف، راهنمایی‌های دایمانه خود را به امت اسلامی مبذول داشته‌اند. در این بیانیه از یک سو برکات وجود انقلاب اسلامی تبیین شده و از دیگر سو بایدها و نبایدهای پیش روی او به تفصیل آمده است نیز در آن به آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی اشاره شده و موضوعاتی مانند خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی تبیین شده است. رهبر انقلاب در این بیانیه به انجام اموری امر نموده و از اموری دیگر نهی می‌نماید و از

جمله امور امر شده، عدالت است. در این بخش از مقاله، به جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب می‌پردازیم.

نگاهی کلی به این بیانیه، نشان دهنده دو گام موجود در آنست. ایجاد دولت اسلامی و بقای تمدن اسلامی و در ایجاد و بقا هر دو، عدالت از جایگاه به سزایی برخوردار است و بنا بر این عدالت از دلایل موجهه و مبقیه جامعه و تمدن اسلامی است.

### ۷-۱. عدالت در گام اول

رهبری معظم در تبیین گام اول انقلاب، انقلاب اسلامی را آغازگر عصری نو در عرصه جهانی معرفی می‌نماید که داعیه همراهی دین و دنیا را با هم دارد. تفکری نو که تا پیش از آن، در الگوی حکومتی خود، مسبوق به سابقه نبوده. حرکتی دینی در عصر غربت دین، که ادعایی نو در این زمان دارد و آن پرچمداری دین برای تحولات اجتماعی و بلکه بین‌المللی است، در زمانی که روابط انسانی و جهانی بر پایه مادی‌گرایی و امانیسم و اصالت فردی است. ایشان در تبیین گام اول انقلاب، به شعارهای جاودان انقلاب اسلامی اشاره می‌نمایند که شعارهایی فطری است و از جمله آن، آزادی و اخلاق، معنویت، عزت، عقلانیت و عدالت است. شعارهایی که علاقه به آن، با سرشت انسانها عجین است. و به نسل و جامعه‌ای خاص تعلق ندارد. به عبارتی دیگر نمی‌توان انسانی را متصور شد که مطلوب او، آزادی و یا اخلاق و یا عزت و عدالت نباشد (ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۹۷/۱۱/۲۲).

رهبری در تبیین گام اول انقلاب، عدالت را از برکات انقلاب اسلامی معرفی می‌نمایند. ایشان در میان دستاوردها و برکات بزرگ انقلاب، مانند ثبات و امنیت کشور، ایجاد زیر ساخت‌های حیاتی و اقتصادی، مشارکت بالای مردم، و ارتقاء سطح بینش سیاسی آنان، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، ایستادگی در برابر زورگویان جهان، سخن از عدالت به میان می‌آورند. یعنی از برکات انقلاب اسلامی برپایی عدالت است که در سطح قابل توجهی در کشور، بعد از انقلاب نشان داده شد و این عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور بود. ایشان در توضیح این سخن بیان می‌دارند که در گذشته امکانات عمومی کشور به مناطق دوردست و روستاها و نواحی پایین شهرها و مناطقی مانند آن تعلق نداشت و غالباً در اختیار گروهی کوچک از پایتخت نشینان و همسانان آنان در دیگر نقاط کشور بود و در چهار دهه انقلاب، این رسم نابجا برچیده شد و امکانات کشور به مناطق محروم و روستاها و پایین شهرها نیز انتقال پیدا کرد. رهبری (حفظه الله) در ادامه بیانات خود در خصوص عدالت،

خاطر نشان می‌سازند که عدالت به وجود آمده در کشور، کمتر از مقداری است که مورد انتظار جمهوری اسلامی بوده زیرا عدالت در کشوری که می‌خواهد پیرو حکومت علوی شناخته شود، باید بسیار بیش‌تر از این مقداری باشد که در کشور وجود دارد. ایشان در تحقق عدالت مذکور، چشم امیدشان به جوانانست تا در این راه قدم بردارند(ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۹۷/۱۱/۲۲).

از مطالب آمده در فوق می‌توان گفت که با وقوع انقلاب اسلامی تغییراتی در نحوه تقسیم امکانات کشور به وجود آمد و این امکانات به مناطق محروم و روستاها انتقال پیدا کرد؛ همان امکاناتی که پیش از انقلاب به پایتخت‌نشینان و مانند آنان اختصاص می‌یافت و این از مصادیق بارز اجرای عدالت است و البته انتظار می‌رود به علت تأسی به حکومت عدل علوی، بسیار بیش‌تر از آنی باشد که در حال حاضر موجود است.

## ۷-۲. عدالت در گام دوم

رهبری معظم در تبیین گام دوم انقلاب، به محصول چهل ساله انقلاب یعنی کشور و ملت مستقل، با عزت، پیشرفته، امیدوار، رکورددار در فناوری‌های مهم مانند هسته‌ای و مانند آن اشارت نموده و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی انقلاب را متذکر شده‌اند و در این میان، توصیه‌هایی به جوانان به عنوان مخاطبان اصلی بیانیه گام دوم انقلاب داشته‌اند.

توصیه ایشان به جوانان، عمل نمودن به عدالت است که از مصادیق آن تبعیض قائل نشدن در توزیع منابع عمومی، میدان ندادن به ویژه خواری و مدارا نکردن با فریبگران اقتصادی است. عدالت از نظر ایشان، کلمه‌ای مقدس است که فراتر از زمان و مکان است و در صدر اهداف بعثت انبیا قرار دارد. ایشان عدالت تام و تمام را تنها در عصر حضرت ولی عصر(ارواحنا له الفداء) محقق می‌دانند. رهبری عمل به عدالت را به تنهایی کافی ندانسته بلکه متمم آن را مبارزه با فساد برشمرده‌اند. یعنی عدالت و مبارزه با فساد دو جزء جداناپذیر از همدند. ایشان معتقد است که وسوسه مال و قدرت، کارگزاران حکومت علوی را نیز لغزانده است «وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر المؤمنین(علیه السلام) کسانی را لغزانده». رهبری معظم در تبیین علت ملازمت عدالت و مبارزه با فساد، فساد را به سان غده‌ای چرکین می‌دانند که ویرانگر است «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی

حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است» (ر، ک؛ مقام معظم رهبری، ۹۷/۱۱/۲۲).

از مطالب آمده در باره اجرای عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب می‌توان نتیجه گرفت که عمده اجرای عدالت در مسائل اقتصادی است و اجرای آن به طور کامل محقق نمی‌شود مگر آن که همراه با مبارزه با فساد باشد و برقراری عدالت و متمم آن یعنی مبارزه با فساد در این زمان، نیازمند انسان‌هایی با عزم و اراده قوی است؛ زیرا با وسوسه جاه و مال و مقام و ... همراه است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با هدف نشان دادن جایگاه عدالت در تمدن نوین اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی از منظر رهبر معظم انقلاب با این سؤال اصلی آغاز شد که عدالت در نظام اجتماعی تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری چه جایگاهی دارد و مهم‌ترین مقدمات ایجاد آن کدام است؟ برای پاسخ به این سؤال اساسی، مقدماتی نیاز بود که در قالب مباحث مفهومی عدالت و تمدن انجام شد و در ادامه دیدگاه رهبر معظم انقلاب و بنیانگذار کبیر آن (ره) در باره تمدن اسلامی و مفهوم آن از نظر ایشان آمد زیرا صحیح است که اندیشمندانی در خصوص معرفی تمدن اظهار نظر نموده‌اند ولی تنها امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است که حکومت اسلامی را تأسیس نمودند و ادامه داده و نظریه همراهی دین و دنیا را با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن، تحقق بخشیده‌اند. در ادامه بحث، نیاز به مقایسه تمدن تک بعدی غرب و تمدن چند ساحتی اسلام پیش آمد که انجام شد و معلوم گردید که این نگاه تک بعدی به انسان و تمدن مادی او، بشر امروز را دچار تحیر و سرگردانی کرده و در بعد خانوادگی و اجتماعی دچار گسست و پاشیدگی و هرج و مرج بین المللی نموده است و در مقابل تمدن نوین اسلامی بیان شد که تمدنی دینی است و اوامر و نواهی آن، ناظر بر ابعاد مختلف جسمانی و روحانی انسان است فلذا تربیت انسان‌های وارسته و متفکر از دستاوردهای تمدن اسلامی است. بعد از تبیین تمدن غربی و تناقضات موجود در آن، تمدن نوین اسلامی و مراحل پنج‌گانه ایجاد آن از منظر مقام معظم رهبری بیان شد که ایجاد انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، شکل‌گیری دولت اسلامی، ایجاد کشور و جامعه اسلامی و شکل‌گیری تمدن اسلامی از جمله مراحل آنست و بیان شد که از میان مراحل پنج‌گانه تشکیل تمدن نوین اسلامی، دو مرحله اول و دوم یعنی انقلاب اسلامی



و نظام اسلامی محقق شده که در هر دو مرحله عدالت نقش محوری داشته است و در ادامه چگونگی تشکیل تمدن اسلامی و رسیدن به قله‌های آن، از منظر رهبر معظم در بیانیه گام دوم انقلاب تبیین شد که ایشان در گام اول، عدالت را از برکات انقلاب اسلامی معرفی نموده که باعث تغییراتی در نحوه تقسیم امکانات کشور شده و آن انتقال امکانات به مناطق محروم بوده که خود از مصادیق بارز اجرای عدالت است و در ادامه مباحث، نقش محوری عدالت در گام دوم آمده که بنا بر نظر رهبری معظم، در صدر اهداف انبیاء به حساب آمده است. ایشان عمل به آن را به تنهایی کافی ندانسته بلکه مکمل آن را مبارزه با فساد برشمردند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، تمدن دینی است که به تمامی ابعاد مختلف جسمانی و روحانی انسان اشراف دارد فلذا تربیت انسان‌هایی وارسته و مذهب از دستاوردهای تمدن اسلامی است و این معنا در پایگاه اولیه اسلام در مدینه الرسول و در شکوفایی و ظهور دوباره آن در انقلاب اسلامی به خوبی قابل مشاهده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر رهبر معظم انقلاب عدالت کلمه مقدس فرازمانی و مکانی است که در صدر اهداف انبیا قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدل در لغت همان امر متناسب و مطلوبی است که به همراه علم و اخلاق و رعایت اصول دین، از عناصر تکوین تمدن نوین اسلامی است و تمدن اسلامی نیز بر این مبنا شکل گرفته و حیات مجدد آن نیز بر این پایه است فلذا عدالت از عوامل محدثه تمدن نوین اسلامی و از علل مبقیه آنست. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمدن و عدالت رابطه تنگاتنگی دارند که ریشه در معنی این دو کلمه دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که برای تحقق تمدن نوین اسلامی، عدالت و مبارزه با فساد دو همراه همیشگی‌اند که ضعف و قوت هر کدام موجب ضعف و قدرت دیگری است نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی نیازهایی ابزاری و غیر ابزاری لازم است و هر دو آن، محتاج انسان‌هایی با علم و اخلاق و عادل و متفکر است تا به بهترین وجه از آنها در جهت تمدن نوین اسلامی بهره‌مند گردند.



## فهرست منابع

- القرآن الکریم (۱۳۹۰)، مترجم انصاریان حسین، قم، ناشر، آیین دانش.
- القرآن الکریم، مترجم مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۳). قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلام.
- قرآن کریم، مترجم انگلیسی صفارزاده طاهره، بی تا.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ م.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، ناشر، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، محقق میردامادی جمال الدین، بیروت، دار صادر، دار الفکر.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- اکبری، مرتضی، رضائی، فریدون (۱۳۹۴). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳ (۵)، ۸۵-۱۰۸.
- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، ناشر، اسلامی، ۱۳۷۵.
- جلوداریان، امید، وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) ۲۰ اسفند ۱۳۹۷.
- جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۰۷/۲۳).
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، مدخل تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۰۲/۰۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، مدخل سبک زندگی، تمدن سازی نوین اسلامی، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

- خسروپناه، عبدالحسین، پور عزت، علی اصغر، محمد نژاد، حبیب (۱۳۹۳). «و سعت معنایی عدالت در قرآن»، مطالعات تفسیری، ۱۷، ۷۳-۴۹.
- خمینی، سید روح الله، کشف الاسرار، قم، آزادی، بی تا.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۹۷/۵/۱۱). صحیفه امام، مرکز تحقیقات کامپیوتری و علوم انسانی.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، محقق/ مصحح، داوودی صفوان عدنان، بیروت-دمشق، ناشر، دار القلم-الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، مصحح حسین احمد مصطفی، بیروت، ناشر، دار الکتاب العربی.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/ مصحح، شیری علی، بیروت، دارالفکر.
- سعادت نیا، رضا، امام جمعه زاده شریفه سادات، علوی، سلمیه سادات (۱۳۹۴). نقش عدالت در توسعه تمدن اسلامی از منظر قرآن و نهج البلاغه، قرآنی کوثر، ۵۳.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة، محقق/ مصحح، آل یاسین محمد حسن، بیروت، ناشر، عالم الکتاب.
- صدری فر، نبی اله، مولوی، محمد (۱۴۰۰). «مقدمات و الزامات ایجاد تمدن نوین اسلامی»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۹ (۱۸)، ۶۶-۴۷.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم موسوی همدانی سید محمد باقر، کتابخانه مجازی الفبا.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح، عاملی احمد حبیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دون تا.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۴۱۴ق). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار المعرفة.
- علوی، هدی (۱۳۸۱). لایه های تمدن غرب، مجله شمیم یاس، پیش شماره ۱۰، پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، ناشر، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.

فروهي، آرمان، خزائلي، محمدباقر (۱۳۹۸)، «تحليل جايگاه عدالت در تمدن سازي علوي»، كنگره بازخواني ابعاد شخصيتي اميرالمؤمنين علي (ع)، اصفهان،

<https://civilica.com/doc/984791>

فوزي، يحيي، صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامي از ديدگاه امام خميني (ره)، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، ۳ (۹)، ۴۰-۷.

فيروزآبادي، محمد بن يعقوب (۱۴۱۵ق). قاموس المحيط، بيروت، دار الكتب العلمية.

فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضي (۱۴۱۵ق). تفسير الصافي، تهران، ناشر، مكتبة الصدر.

قرشي، علي اكبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران، ناشر، دارالكتب الاسلاميه.

كارگر، محمود (۱۳۹۵). عدالت در تمدن سازي از منظر فارابي، امام (ره) و مقام معظم رهبري، فرهنگ پژوهش، ۲۷.

كاشاني، فتح الله بن شكر الله (۱۳۱۳). منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران، كتابفروشي اسلاميه. نوائي شورورزي، علي اكبر (۱۳۹۶). نقش عدالت در شكوفايي تمدن اسلامي «همایش بین المللی عدالت و اخلاق در مكتب اهل بيت (ع) با تأكيد بر سيره و آموزه های امام رضا (ع).

واسعي، علي رضا، صالح شريعتي، طاهره سادات (۱۳۹۶). نقش عدالت اجتماعي در شكوفايي علمي تمدن اسلامي عهد رضوي «همایش بین المللی عدالت و اخلاق در مكتب اهل بيت (ع) با تأكيد بر سيره و آموزه های امام رضا (ع).

معمار، ثريا (۱۳۹۳). تحليل جامعه شناسي مفهوم عدالت از ديدگاه حضرت علي (ع)، شيعه شناسي، ۱۲ (۴۷)، ۴۴-۷۸.

مهنا، عبدالله علي (۱۴۱۳ق). لسان اللسان، تهذيب لسان العرب، بيروت، دار الكتب العلمية. ميبدي، احمد بن محمد، (۱۳۷۱). كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري)، اهتمام، حكمت، علي اصغر، تهران، ناشر، اميركبير.

يوسف موسي، حسين (۱۴۱۰ق). الافصاح في فقه اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.